



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۶/۱۹

نویسنده: بهادر ا کومار

مترجم: رسول رحيم

## برداشت های اجمالی از مذاکرات بایدين و پوتین

منبع : اندین پنج لاین ۱۷ جون ۲۰۲۱

در صحنه دیپلوماسی هیچ چیزی بیشتر از مذاکرات سران روسیه و امریکا محض تناثر گونه نیست. هنگامی که سران دو قدرت هسته‌ئی نهایت قدرت مند رو در روی همدیگر می نشینند، هر چیز می تواند اتفاق بیفتد. این به طور مثال آنچه در نشست سران روسیه و امریکا در سال ۱۹۸۵ اتفاق افتاد، یک نمونه کلاسیک است. این مذاکرات است که در سایه توصیف رونالد ریگان از اتحاد شوروی سوسیالیستی به مثابه "امپراتوری شر" در ژنو با میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی صورت گرفت، راه را به طریقی گشود که منجر به پایان جنگ سرد شد. مذاکرات چهارشنبه سران دو کشور نام برده در ژنو همان سنت را زنده گردانید. هم رئیس جمهور جو بایدن و هم رئیس جمهور ولادیمیر پوتین موافق بودند که حادثه مثمیری بوده است، ولو آنکه نسبتاً کوتاه بوده است.

پوتین به طور خاص خودش، بعد از این مذاکرات سران، در کنفرانس مطبوعاتی که ساعتی به طول انجامید، رُگ و راست به سوال ها پاسخ می گفت، کاملاً راحت به نظر می رسید و متبسم بود. او گفت در این گفت و گوها که با روحیه سازنده جریان داشت، خصومتی وجود نداشت.

اما پوتین با قاطعیت ادعا های حملات سایبری و حقوق بشر را رد نمود. در مورد اوکراین و بلا روس (روسیه سفید) هردو طرف موافق بودند که توافق ندارند. نتیجه نهایت مهم این نشست سران، آغاز مجدد گفت و گو های ستراتیژیک و پرداختن به موارد سایبری می باشد.

قابل درک است که پوتین به قدر کافی دستاورد داشته است تا در برگشت به کشورش ادعای پیروزی سیاسی نماید. تحلیل گران در مسکو پیش بینی خواهند نمود که واشنگتن دریافته است، ناممکن است روسیه را تجرید نمود، روسیه مهم و مطمئناً غیر قابل کنار گذاشتن است، و بنابراین، ایالات متحد امریکا مجدداً به راه صواب در مورد ثبات ستراتیژیک و شاید حتی در مورد شرایط امنیت سایبری برگشته است.

کنفرانس مطبوعاتی بایدين سی دقیقه دوام داشت که به طور انحصاری با خبرنگاران امریکائی بود. او بعداً تأیید نمود که نشست مثبت و سازنده بوده است. بایدين تخمین نمود که « و ما یک اساس واضح به وجود آوردیم که چه گونه می خواهیم با روابط روسیه و ایالات متحد امریکا برخورد نماییم.»

اما جریان پرسش ها و پاسخ ها بیانگر آن بود که بایدين دو باره در کشورش با یک مسئله جدی مواجه می باشد. خبرنگاران امریکائی یک قیافه تیره و تار از عملگرائی جدید بایدين در برابر روسیه و پوتین ارائه نموده اند.

بایدين تحت فشار قرار گرفته است که از پیشقدم شدنش برای مذاکرات سران با پوتین دفاع نماید. او از عقاید متعارف امریکائی ها جلوتر رفته است. این کنفرانس مطبوعاتی هنگامی به یک مشاجره پایان یافت که یک خبرنگار بر بایدين تاخت که «آقای رئیس جمهور، چرا شما این قدر مطمئن هستید که وی (پوتین) رفتارش را تغییر می دهد؟» بایدين خشمگین شد و گفت: «من مطمئن نیستم که او رفتارش را تغییر می دهد. به جهنم. همیشه چه می گویی؟ من چه وقت گفتم که مطمئن هستم؟ من در مورد هیچ چیزی مطمئن نیستم...»

آیا بایدين دارای آن سرمایه سیاسی هست که پروژه ایجاد "ثبات و قابلیت پیش بینی" را در روابط میان روسیه و ایالات متحد امریکا به جلو براند؟ واضحاً هنوز بسیار پیش از وقت است که گفته شود این نشست سران یک موفقیت برای بایدين بوده است و یا نبوده است. هفته ها و شاید ماه ها ضرورت باشد تا دیده شود که روابط بین ایالات متحده امریکا و روسیه چه گونه انکشاف می نماید. یک کنفرانس سران در ژنو نمی تواند این روابط را تغییر بدهد.

احتمالاً این نشست سران انتظارات هردو جانب را برآورده ساخت، اما زمینه دامن زدن به انتظارات عمداً پائین نگه داشته شده است. اعلامیه ثبات ستراتیژیک غافل گیر کننده بود. اما، باز هم بیانگر این اصول اولیه می باشد که یک جنگ هسته‌ئی نمی تواند برده شود، بنابراین نایبست جنگیده شود.

یک نقطه پایانی در گفت و گوهای ستراتیژیک شاید در ظرف ۳-۶ ماه ممکن نباشد، زیرا این گفت و گو به جنبه اصلی رابطه و در بافت این رابطه در قرن ۲۱ می پردازد و همچنان شامل مسائل سایبری، فضا و امنیت میثاقی (کنوانسیون) و زیر ساخت دیپلوماتیک و غیره می باشد.

اشتباه نباید کرد که امنیت سایبری یک موضوع بسیار پیچیده است و در اینجا مرز باریکی، جرم را از تروریسم جدا می کند. پوتین هرگز کدام خلاف رفتاری توسط دولت روسیه را در این زمینه قبول نخواهد کرد و نه وی کدام تعهد یک جانبه خواهد سپرد، زیرا روسیه خودش در قبال حملات سایبری آسیب پذیر می باشد. و سایبر یک مسئله مربوط به امنیت ملی نیز می باشد. بنابراین، حتی برای اینکه این مذاکرات آغاز گردد، نیاز به اعتماد است و اعتماد چیزی است که وجود ندارد. یک راه نا هموار در پیش رو قرار دارد.

انگیزه های بایدن نیز مردد باقی می ماند. از کنفرانس مطبوعاتی او سه چیز نتیجه گیری می شود: نخست، اینکه بایدن خواست تا «ساحات کار عملی با روسیه» را در یک جبهه گسترده، جدا از گفت و های ستراتیژیک و امنیت سایبری «مشخص گرداند»، بایدن به «دهلیز بشردوستانه» در سوریه، ایران و افغانستان یعنی جاهائی اشارت نمود که وی به «کمک» پوتین نیاز دارد. همچنان برای همکاری در ساحه قطب شمال او خواهان تعامل سازنده شد.

دوم اینکه، بایدن می خواهد یک معادله شخصی با پوتین به وجود بیاورد. به گفته خود او: سیاست خارجی که مستلزم یک مهارت عالی است، تا جائی به یک شماره رمز می ماند و به نحوی تداوم منطقی روابط شخصی می باشد. این همان طریقی است که سرشت انسان عمل می کند.

سوم، بایدن معتقد است که یک راهیافت کارساز زردک و سوته در برابر پوتین دارد. بنا به حدس بایدن پوتین زیر عظیمی شدیدی قرار دارد. بایدن گفت: «من فکر می کنم آخرین چیزی که او (پوتین) اکنون می خواهد، یک جنگ سرد است. شما یک مرز چندین هزار کیلومتری با چین دارید. همان طوری که گفته می شود چین در تلاش است قدرت مند ترین اقتصاد جهان و بزرگترین و قدرت مند تری نیروی مسلح در جهان باشد.»

«تو پوتین در شرایطی قرار داری که اقتصادت با مشکل رو به رو است و باید از نظر رشد آن را با شیوه تهاجمی تر حرکت دهی. فکر نمی کنم به دنبال جنگ سرد با ایالات متحد امریکا باشد...»

اما این بدان معنایست که او (پوتین) آماده است، "اسلحه خود را به زمین بگارد" و بگوید "بیا" «او هنوز هم به عقیده من نگران "محاصره شدن" است. او هنوز هم نگران است که ما (امریکا) در حقیقت به دنبال سرنگونی و غیره او می باشیم. او هنوز هم این نگرانی ها را دارد، اما من فکر نمی کنم که آن ها نیروی محرکه نوع رابطه او با ایالات متحد باشد.»

این اظهارات فریبای بایدن بیانگر موکد آنست که فهم اداره بایدن از روسیه پوتین، پر از ساده لوحی و عمیقاً ناقص و معیوب است. مسکو و بیجنگ باید آن را احساس نموده باشند. اظهارات خارق العاده پوتین در مورد مناسبات روسیه و چین در جریان مصاحبه با بخش خبری "ان بی سی" در دوشنبه بر این واقعیت گواهی می دهد.

پوتین گفت: «آیا این کاملاً صادقانه هست؟» ما می توانیم تلاش هائی را ببینیم که درصدد است مناسبات روسیه و چین را برهم زنند. ما می توانیم ببینیم که این تلاش ها در حال تبدیل شدن به سیاست های عملی اند و سوال های شما نیز مربوط به آن می شوند.»

شاید این حقیقت بسیار مهم نشست سران در ژنو است. به نظر می رسد که یک سوء برداشت جدی در بین نخبگان سیاست خارجی امریکا در ارتباط با انعطاف پذیری در همیاری ستراتیژیک روسیه و چین وجود دارد. روسیه و چین یک علاقه مندی همسان به بذل حمایت به یکدیگر به منظور ایجاد فضای مناسب برای دیگری در جهت عقب راندن ایالات متحد امریکا دارند. این مشارکت منطبق به نگرانی های اساسی و منافع خاص هردو جانب بوده و دارای محتوایی می باشد که به هردو جانب سود و پاداش می رساند.

اساساً بایدن وارث میراث کارزار انتخاباتی ضد ترامپ از حزب دموکرات (و همچنان دوران ریاست جمهوری اوباما) است که یک روایت ساختگی را در مورد "ساخت و باخت" روسیه در سال ۲۰۱۶ به وجود آورد، تا رئیس جمهور پیشین (ترامپ) را بد معرفی کرده و به عنوان نامزد منچوریا جلو دهد و پس از آن ریاست جمهوری او را تضعیف کند.

بایدن امروز با این روایت دروغین گیرمانده است. وی هیچ استفاده ای از آن به مثابه نقشه راه، در جهت سمت و سو دادن به سیاست های روسیه نمی تواند، و هم نمی تواند آن را رها کند.

این تناقض تنها هنگامی حل می شود که ایالات متحد امریکا بخواهد به روابطش با روسیه همچون یک مسئله سیاست خارجی برخورد نماید، نه چون الگویی برای سیاست داخلی. اما بایدن به حیث رئیس جمهور بسیار ضعیف تر از آنست که چنین تصحیح عمیق را سیاست خارجی به وجود آورد.